

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال اول

- ۸ • تحولات قانون جدید مجازات اسلامی در مورد قلمرو مکانی قوانین جزایی
علی خالقی
- ۳۹ • قاعده‌های تفسیری ویژه در حقوق جنایی
علی شجاعی
- ۵۸ • معیارهای دادرسی عادلانه ناظر بر توقیف متهم
محمد فرجیها - محمدباقر مقدسی
- ۸۲ • نقد آزادی‌شناختی اهانت به باورهای دینی
محمدهادی ذاکر حسین
- ۱۰۴ • موانع پیش‌روی دادگاه‌های ملی در تعقیب جنایات بین‌المللی بر مبنای معیار صلاحیت جهانی
معصومه‌سادات میرمحمدی
- ۱۴۲ • مسؤولیت مدنی و کیفری تولیدکنندگان کالای غیر استاندارد
صادق دشتی - پژمان محمدی - حسین آقایی جنت‌مکان
- ۱۷۰ • آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت در جوامع
طاهره عابدی تهرانی - فاطمه افشاری
- ۱۹۸ • بررسی گستره اعمال فرض برائت توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر
بهنام مدی





معیارهای دادرسی عادلانه ناظر بر توقیف متهم

محمد فرجیها* - محمد باقر مقدسی**

چکیده: مأموران پلیس در صف مقدم فرآیند کشف جرم، شناسایی، دستگیری و تعقیب کیفری متهم قرار دارند. سرعت عمل در گردآوری ادله و به نتیجه رسانیدن پرونده‌ها از جمله اولویت‌های پلیس در بیشتر نظام‌های عدالت کیفری است. تأکید سازمان پلیس بر افزایش کارایی و اثربخشی واحدهای انتظامی در پاره‌ای از موارد موجب نادیده انگاشتن حقوق متهم می‌شود. توقیف متهم بر اساس ادله متقن، تفهیم اتهام در اسرع وقت، حداقل استفاده از زور در هنگام توقیف و منع نگهداری متهم در بازداشتگاه‌های غیرقانونی از جمله معیارهایی است که به منظور حمایت از حقوق متهم در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است. مقاله پیش رو تلاش دارد با بررسی معیارهای دادرسی عادلانه ناظر بر توقیف پلیسی، ترجمان این معیارها در قوانین داخلی ایران و حقوق تطبیقی را مورد ارزیابی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: توقیف متهم، معیارهای دادرسی عادلانه، آیین دادرسی کیفری، سوء استفاده از قدرت، فرض برائت.

۱- مقدمه

گاهی برای جلوگیری از ادامه فعالیت مجرمانه یا جلوگیری از فرار یا مخفی کردن دلایل ارتکاب جرم، ضروری است متهم توقیف شود. از این رو، در اکثر نظام‌ها به

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس

** استادیار دانشگاه بجنورد (نویسنده مسؤول)

پلیس این اختیار داده شده که در موارد خاص نسبت به توقیف مظنونان اقدام کند. هر چند در برخی موارد توقیف متهم برای حفظ نظم و منافع جامعه لازم است، ولی در مقابل باید تدابیری اندیشیده شود که حقوق شهروندان فدای حفظ نظم عمومی نشود. دستیابی به هر یک از این اهداف مستلزم ایجاد توازن میان ملاحظات و مقتضیات مربوط به رعایت حقوق دفاعی متهم از یک سو و کنترل مؤثر جرم از سوی دیگر است. بازتاب توجه به مقررات و معیارهای مرتبط با مرحله توقیف را می‌توان در اسناد متعدد بین‌المللی مشاهده کرد. چنان‌که در اسناد بین‌المللی توجه شایانی به مرحله توقیف و معیارهای ناظر بر عملکرد کارکنان نظام عدالت کیفری در این مرحله شده است. در مقررات کشورهای اروپایی نیز به پیروی از اسناد بین‌المللی تلاش شده مقررات دقیقی در این حوزه وضع گردد. هرچند در مقررات شکلی ایران تلاش شده این مهم رعایت گردد، با این حال به دلیل خصیصه تفتیشی نظام دادرسی کیفری ایران، همچنان بین واقع و آرمان مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. مقاله پیش رو تلاش دارد با رویکردی تطبیقی به بررسی مهم‌ترین این معیارها در اسناد بین‌المللی و مقررات کشورهای مختلف بپردازد.

۲- توقیف متهم بر اساس دلایل روشن و متقن

یکی از عواملی که مانع سوءاستفاده مأموران در زمان توقیف می‌شود ضرورت وجود دلایل روشن و متقن در هنگام توقیف است. ممنوعیت بازداشت افراد در هنگامی که دلایل متقن وجود ندارد مانع جدی در برابر بازداشت خودسرانه خواهد بود. اصل برائت نیز ایجاب می‌کند که تا هنگامی که دلایل متقن به دست نیامده از هرگونه توقیف افراد اجتناب شود. به عبارت دیگر در کنار دیگر آثار اصل برائت از جمله لزوم اثبات اتهام، تفسیر مضیق قوانین جزایی و...^۱ می‌توان از ضرورت وجود دلایل روشن برای توقیف یاد کرد. علاوه بر این، با توجه به اینکه توقیف متهم باعث محروم شدن وی از جمع‌آوری و ارائه دلایل و شواهد می‌شود، لذا فقط باید هنگامی نسبت به توقیف اقدام شود که دلایل اتهامی روشن و محکم هستند. در مقابل در مواردی که چنین دلایلی وجود ندارد هرگونه توقیف غیرقانونی بوده و ممکن است تخلف یا جرم محسوب شود. از این رو، پلیس حق بازداشت شهود و مطلعان، که اتهام مشخصی متوجه آنها

۱. شاملو، «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی»، ۲۷۸.

نیست، را ندارد و تنها در جرایم مشهود می‌تواند در صورت لزوم ورود و خروج آن‌ها را به محل‌های خاص (از جمله محل ارتکاب جرم) ممنوع کند.^۲

اسناد بین‌المللی در موارد متعددی از جمله ماده ۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و بند ۱ ماده ۷ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» بر حق آزادی اشخاص تأکید کرده‌اند. اصل ۲ «مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان» نیز بر ضرورت رعایت مقررات قانونی در هنگام بازداشت تأکید کرده است. علاوه بر این، آراء قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نیز آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. دلایل محکم باید قبل از هر بازداشت وجود داشته باشد. بنابراین، باید پیش از توقیف شرایط وقوع جرم به طور کامل بررسی و سپس نسبت به بازداشت یا عدم آن تصمیم‌گیری شود. از این‌رو، نمی‌توان در هنگام بازداشت تنها به سوء پیشینه کیفری شخص استناد و او را بازداشت کرد. دیوان اروپایی حقوق بشر این امر را مورد توجه قرار داده در آرای متعددی^۳ بر آن تأکید کرده و بیان داشته که الزام به وجود دلایل محکم قبل از دستگیری موجب پیشگیری از بازداشت خودسرانه خواهد شد. بنابراین، صرف دستور مقام مافوق نمی‌تواند مجوزی برای بازداشت باشد بلکه باید افسر مربوطه نیز «ظن معقول»^۴ داشته باشد. ظن معقول می‌تواند به واسطه مشاهده شخصی، اطلاعات مقام مافوق یا امر دیگری حاصل شود، ولی صرف دستور مافوق نمی‌تواند به تنهایی مجوز بازداشت باشد.^۵

اصل برائت و ضرورت وجود دلایل محکم برای توقیف ایجاب می‌کند که متهم بی‌نیاز از اثبات بی‌گناهی خود باشد و طرف دیگر ملزم است ادله دستگیری را جمع‌آوری کند. از این‌رو، نمی‌توان ابتدا به توقیف فرد اقدام و سپس نسبت به جمع‌آوری اطلاعات و ادله اقدام کرد. به عبارت دیگر نمی‌توان از متهم به عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری ادله استفاده کرد. از این‌رو، شخص حق دارد در برابر هرگونه سوالی سکوت کند. رویه قضایی انگلیس در پرونده «ریس»^۶ به این امر اشاره کرده است. در این پرونده، دو افسر پلیس، فردی را که در محلی که شب قبل در آنجا سرقت واقع شده بود و قدم می‌زد دستگیر کردند. آن‌ها در حالی که این امر اقدام کردند که هیچ‌گونه دلیلی مبنی بر توجه سرقت به او وجود نداشت. هنگامی که متهم از پاسخ

۲. اردبیلی، «نگهداری تحت نظر»، ۲۱۰.

3. *Guzzardi v. Italy* (1980) & *O' Hara v. UK* (2002)

4. Reasonable Suspicion

5. Stone, *Textbook on civil liberties and human rights*, 69.

6. *Rice v. Connolly* (1966)

دادن، امتناع کرد، افسران پلیس برای کسب اطلاعات او را به پاسخگویی مجبور کردند. در پی شکایت فرد مزبور از پلیس، دادگاه بیان کرد که هر چند همه شهروندان تعهد اخلاقی دارند که به پلیس کمک کنند، ولی الزام قانونی به انجام این امر وجود ندارد و مبنای آن، حق اشخاص از خودداری به پاسخگویی به اشخاصی است که او را مورد سوال قرار داده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که در یکی دیگر از آراء دیوان اروپایی حقوق بشر^۷ آمده، چنانچه دلایل مشخصی برای توقیف وجود نداشته باشد، افسران پلیس حق توقیف اشخاص را ندارند و خودداری از همکاری با پلیس نمی‌تواند دلیلی برای توقیف باشد.^۸

در حقوق ایران، هر چند به طور صریح به این امر اشاره نشده ولی مقررات به گونه‌ای آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. علاوه بر اصل برائت مندرج در اصل ۳۷ قانون اساسی، اصل ۳۲ نیز بر رعایت ترتیبات و احکام قانونی در هنگام دستگیری افراد تأکید کرده است. قانون آیین دادرسی کیفری نیز در موارد متعددی به طور ضمنی بر ضرورت وجود دلایل قبل از بازداشت تأکید کرده است.

موارد مذکور در چهار بند ابتدایی ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹، که مصادیق جرایم مشهود را ذکر کرده، به گونه‌ای هستند که دلایل لازم برای توقیف وجود دارد؛ زیرا در این موارد یا جرم در مرئ و منظر ضابطان ارتکاب یافته یا وضعیت به گونه‌ای است که ظن توجه اتهام به شخص وجود دارد. در جرایم غیرمشهود نیز جلو هرگونه سوءاستفاده احتمالی گرفته شده، چرا که چنانچه جرم غیرمشهود باشد ضابط حق دستگیری را ندارد و تنها می‌تواند تحقیقات لازم را انجام دهد، بدون اینکه حق دستگیری داشته باشد. علاوه بر این، وقتی بنا بر ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک. در مواردی که دلیل کافی وجود ندارد؛ قاضی حق احضار یا جلب را نخواهد داشت، به طریق اولی در مواردی که دلیل کافی وجود ندارد ضابطین نیز حق دستگیری را نخواهند داشت.

با این حال، در بعضی موارد عبارات قانون به گونه‌ای انشا شده که مبین این معناست که لزومی به وجود دلایل محکم برای توقیف نیست. چنان‌که بندهای ۵ و ۶ ماده ۲۳ ق.آ.د.ک. بر خلاف قوانین کشورهای مختلف، مواردی را جزء جرایم مشهود ذکر کرده و به ضابطان حق دستگیری داده که با حق آزادی افراد متعارض است.

7. *Samuels v. Commissioner of police for the Metroplice* (1999)

8. *Stone, op. cit.*, 72.

طبق بند ۵ ماده ۲۳ ق.آ.د.ک. «در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به خانه خود تقاضا نماید» جرم مشهود محسوب شده و ضابطان از اختیارات پیش‌بینی شده برای جرایم مشهود بهره‌مند شده می‌توانند تا ۲۴ ساعت متهم را بازداشت کنند. هرچند ضابطان تنها در زمانی می‌توانند از این اختیار استفاده کنند که متعاقب وقوع جرم، متهم هنوز در منزل بزه‌دیده حضور دارد، ولی با این حال، عدم تصریح به قید اخیر و عدم تصریح به اینکه در این مورد زمانی جرم مشهود محسوب می‌شود که در فاصله نزدیکی پس از وقوع جرم، متهم هنوز در منزل بزه‌دیده حضور داشته و ورود مأموران را درخواست می‌کند ممکن است موجب این برداشت شود که حتی چنانچه زمان زیادی از وقوع جرم سپری شده باشد ضابطان همچنان می‌توانند جرم را مشهود محسوب کرده و از اختیارات جرایم مشهود استفاده کنند. هرچند اقدام قانونگذار در اعطای این حق به ضابطان منطقی و در جهت تسریع در کشف جرایمی است که در اماکن خصوصی ارتکاب یافته، ولی با این حال، شایسته است که با تصریح به اینکه تنها در زمانی جرم مشهود محسوب خواهد شد که هنوز متهم در داخل محل حضور دارد، مانع هرگونه سوءاستفاده احتمالی شود.

بند ۶ ماده ۲۳ ق.آ.د.ک. در بیان شمار مصادیق جرم مشهود به جای توجه به واقعیت جرم، حالت متهم را مورد توجه قرار داده است. تعیین ولگردی در شمار مصادیق جرم مشهود با ایرادات اساسی مواجه است. زیرا که اولاً مشخص نیست که ولگرد به چه شخصی اطلاق می‌شود. هر چند ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی^۹ ولگرد را تعریف کرده بود، ولی در قانون مجازات اسلامی مقررهای مشابه پیش‌بینی نشده است. ثانیاً قانونگذار تعیین ولگرد را بر عهده ضابطان دادگستری گذاشته است. عدم تعیین ضوابط و معیارهای ولگردی موجب اقدام خودسرانه و گزینشی خواهد شد. اعطای اختیار تشخیص ولگرد از غیر آن به ضابطان، می‌تواند تهدیدی علیه حقوق مردم باشد، زیرا که ممکن است ضابطی با توجه به طرز لباس پوشیدن یا سر و وضع شخصی، وی را ولگرد تشخیص دهد، حال اینکه ضابط دیگری تشخیص دهد که ولگرد نیست. از این‌رو، بیان شده که مؤلفه‌هایی مثل رنگ پوست، سن، نوع و لباس و دیگر شرایط ظاهری نمی‌تواند به تنهایی دلیلی برای ظنن شدن و در نهایت توقیف

۹. ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی «کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی‌قیدی و تنبلی در صد

تهیه کار برای خود بر نمی‌آیند ولگرد محسوب می‌شوند. ولگردی خلاف و مشمول مجازات است.»

افراد باشد.^{۱۰} مشکلاتی که به دنبال تعیین ولگردی در شمار جرایم مشهود به وجود آمده، موجب شده که در برخی از کشورها، ولگردی از شمار جرایم مشهود خارج شود. چنان که سابقاً در حقوق انگلستان ولگرد بودن می‌توانست ظن معقولی برای توقیف باشد. با این حال، در اصلاحیه‌های جدید، ولگردی حذف و بیان شده که ظن هنگامی می‌تواند مجوزی برای توقیف باشد که با رفتار بیرونی همراه باشد و نمی‌توان به صرف حالت یک شخص اقدام به بازداشت او کرد.^{۱۱}

تعیین دو بند ۵ و ۶ ماده ۲۳ ق.آ.د.ک. در شمار جرایم مشهود باعث شده که مخالفت‌های جدی با آن شود چنان که برخی تعیین دو بند مذکور در شمار جرایم مشهود را خلاف اصول جزایی دانسته‌اند.^{۱۲} از این رو، اصلاح این دو بند بسیار ضروری است.^{۱۳}

در حقوق فرانسه نیز بر ضرورت وجود دلایل محکم قبل از توقیف تأکید شده است. چنان که ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری تحت نظر قرار دادن شخص را تنها هنگامی مجاز دانسته که: ۱- تحقیقات ایجاب کند، ۲- دلیل وجود داشته باشد و ۳- دلیل مذکور قابل قبول باشد.^{۱۴} در این مورد نیز تنها افسران پلیس قضایی حق تحت نظر گرفتن را دارند.^{۱۵} در حقوق آمریکا نیز وجود قرائن کافی قبل از بازداشت ضروری است.^{۱۶} در تمامی این موارد باید دلایل به گونه‌ای باشند که ظن معقول را ایجاد کنند. ظن معقول باید به گونه‌ای باشد که عرفاً حکایت از ارتکاب جرم کند. به عبارت دیگر هر مشاهده‌گر عینی دیگری نیز با ملاحظه آن به ارتکاب جرم از سوی متهم قانع شود.^{۱۷}

۳- تفهیم اتهام در اولین زمان ممکن

پس از توقیف فرد اولین کاری که باید پلیس انجام دهد تفهیم اتهام است. تفهیم اتهام دو اثر مهم دارد: ۱- متهم از دلیل بازداشت آگاهی می‌یابد، ۲- پس از آگاهی از اتهام،

10. Stone, *op. cit.*, 72.

11. *Ibid.*

12. زراعت و مهاجری، شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، ج ۱، ۹۹.

13. مؤذن‌زادگان، «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری»، ۱۰۵.

14. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ۷۳.

15. استفانی، لواسور و بولک، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ۴۴۷.

16. مؤذن‌زادگان، پیشین، ۶۳.

17. آشوری و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ۲۹۹.

می‌تواند دفاعیات خود را آماده و چنانچه معتقد باشد که بازداشت غیرقانونی است از طریق رد اتهام مانع ادامه بازداشت شود. از این‌رو، تفهیم اتهام جایگاه بسیار مهمی در تضمین حق دفاعی متهم دارد.^{۱۸} علاوه بر این، با تفهیم اتهام زمینه استفاده متهم از دیگر حقوق دفاعی نظیر حق سکوت و معاضدت وکیل مدافع ایجاد می‌شود.^{۱۹}

اهمیت تفهیم اتهام باعث شده که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۲ ماده ۹ و بند الف قسمت ۳ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۵ و قسمت الف بند ۳ ماده ۶) و مجموعه اصول برای حمایت از کلیه اشخاص تحت بازداشت یا زندانی (اصل ۱۰) بر ضرورت تفهیم اتهام تأکید کنند. در این اسناد بر تفهیم نوع و دلایل اتهام تأکید شده است.

نوع اتهام توصیف حقوقی است که در یک کشور معین با توجه به قواعد حقوق کیفری از جرم ارتكابی به عمل می‌آید. دلایل اتهام نیز هر آن چیزی است که بر مبنای آن فرد بازداشت شده است. تفهیم اتهام غیر از ابلاغ اتهام است. در ابلاغ با صرف ابلاغ وظیفه پلیس اتمام می‌یابد، ولی در تفهیم اتهام، آگاه شدن فرد، مورد نظر است. به عبارت دیگر تفهیم اتهام یک نوع تعهد به نتیجه است. به این معنا که مقام قضایی باید اطمینان پیدا کند که متهم، مقصود مأمور را از اتهام فهمیده و قادر است در برابر آن از خود دفاع کند.^{۲۰} بنابراین، با صرف بیان اتهام و ادله آن وظایف مأموران پایان نمی‌یابد، بلکه باید مأموران اطمینان حاصل کنند که متهم به طور کامل آگاه شده است. اولویت تفهیم بر ابلاغ باعث شده که در اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تفهیم قبل از ابلاغ ذکر شود. به دلیل اینکه در تفهیم اتهام، آگاه شدن شخص مدنظر است، بنابراین، باید به زبان مادری یا زبان قابل فهم انجام شود. به عنوان نمونه چنانچه تبعه خارجی در کشوری دستگیر شود باید به زبانی که برای او قابل فهم است تفهیم اتهام صورت گیرد و چنانچه متهم کر و لال باشد تفهیم باید به گونه‌ای صورت گیرد که شخص به طور کامل مطلع شود.

تفهیم اتهام به پرونده یا پرونده‌های خاص محدود نمی‌شود. بنابراین، پلیس و مقام‌های قضایی باید در تمامی موارد تفهیم اتهام کنند. حتی در مواردی که دلایل ارتكابی جرم کاملاً روشن و واضح است نیز تکلیف مقام‌های ذی‌ربط ساقط نشده و

۱۸. مؤذن‌زادگان، پیشین، ۱۷۷-۱۷۵.

۱۹. امیدی، «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، ۳۳۵.

۲۰. اردبیلی، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، ۶۸.

نمی‌توانند با تمسک به وضوح دلایل ارتكابی جرم، از تفهیم اتهام شانه خالی کنند. تفهیم اتهام کلی، از جمله اینکه شما به دلیل ارتكاب جرمی (مانند سرقت) بازداشت می‌شوید کافی نیست، بلکه باید به طور کامل محل، زمان و ادله‌ای که پلیس بر مبنای آن فرد را بازداشت کرده، ذکر شود.^{۲۱}

تسریع در تفهیم اتهام نیز بسیار ضروری است. در بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده که باید در موقع دستگیری، تفهیم اتهام صورت گیرد و در اسرع وقت نیز اخطاریه به او ابلاغ شود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بیان کرده که تفهیم اتهام فوراً صورت گیرد. هر چند معیاری برای تشخیص زمانی که باید تفهیم اتهام انجام شود، ارائه نشده ولی در هر حال همان‌گونه که در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر آمده، باید به گونه‌ای باشد که به حقوق دفاعی متهم لطمه وارد نشده و متهم برای مدت‌ها بدون تفهیم اتهام در توقیف نماند.^{۲۲}

در حقوق فرانسه در ماده مقدماتی و بند ۳ ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری بر ضرورت تفهیم اتهام تأکید گردیده است.^{۲۳} ماده مقدماتی ناظر به تفهیم اتهام در کل مرحله رسیدگی و ماده ۱-۶۳ ناظر به وظیفه پلیس قضایی است. این ماده تفهیم را مقدم بر ابلاغ دانسته و بر تفهیم اتهام به اشخاص ناشنوا، بی‌سواد و غیرفرانسوی نیز تأکید کرده است.

در ایران، اصل ۳۲ قانون اساسی بر ضرورت تفهیم اتهام بلافاصله پس از بازداشت تأکید کرده است. در این اصل ابلاغ مقدم بر تفهیم ذکر شده است، حال آنکه ترجیح بر آن بود که تفهیم پیش از ابلاغ ذکر می‌شد. ماده ۲۴ ق.آ.د.ک. بر خلاف اصل ۳۲ ق.ا. صرفاً متذکر ابلاغ شده و اشاره‌ای به تفهیم اتهام نکرده است. هر چند ابلاغ کتبی می‌تواند تا حدودی راه سوءاستفاده را بگیرد ولی ابلاغ به هیچ‌وجه نمی‌تواند جایگزین تفهیم شود. رعایت حقوق متهم ایجاب می‌کند که تفهیم صورت بگیرد و صرف ابلاغ کافی نیست. این دو مقرر به قید تفصیل اشاره‌ای نکرده‌اند که البته قابل انتقاد است.^{۲۴} علاوه بر این، در اصل و ماده مذکور به ابلاغ اتهام‌ها به زبان قابل فهم، اشاره‌ای نشده است. در مقررات کیفری تنها در مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ ق.آ.د.ک. به حضور مترجم اشاره

21. Stone, *op. cit.*, 89.

۲۲. آشوری و دیگران، پیشین، ۳۵۱-۳۵۲.

۲۳. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ۲۵ و ۷۴.

۲۴. امید، پیشین، ۲۳.

شده است. با توجه به اینکه این مواد ناظر بر مرحله دادگاه است و نه مرحله تحقیقات مقدماتی در این مورد خلأ قانونی مشاهده می‌شود.^{۲۵} حتی تبصره ماده ۱۲۳ ق.آ.د.ک. که به اشتباه اجازه بازداشت متهم را پس از جلب با وجود تحت‌الحفظ بودن به ضابطان داده، نیز اشاره‌ای به ابلاغ اتهام نکرده است. این موارد می‌تواند به شدت حقوق متهم را تضییع کند. عدم اشاره به تفهیم اتهام و عدم الزام ضابطان به تفهیم اتهام به زبانی که برای متهم قابل فهم باشد، باعث شده که در بیشتر موارد ضابطان تنها به تحویل برگه‌ای به متهم اکتفا کرده بدون اینکه وی از محتوای آن آگاه شود.

۴- ارجاع متهم به مقام قضایی در اسرع وقت

با تفهیم اتهام، شخص از علت بازداشت و دلایل بازداشت مطلع شده و با توجه به آن‌ها می‌تواند دفاعیات خود را آماده کند. پس از تفهیم اتهام، به شخص تفهیم اتهام شده، متهم گفته می‌شود. اصل برائت ایجاب می‌کند تا هنگامی که اتهام اثبات نشده است به متهم به عنوان یک انسان بی‌گناه نگریسته شود. توجه به متهم به عنوان فرد بی‌گناه باید از نظر عملی نیز نمود داشته باشد. یکی از راه‌هایی که می‌تواند از آثار نامطلوب ورود اتهام جلوگیری کند کاهش مدت بازداشت است. از این‌رو، ضروری است که در اسرع وقت به اتهام فرد رسیدگی شود. هر چند در غالب موارد بازداشت اولیه متهم توسط پلیس صورت می‌گیرد، ولی به دلیل اینکه آن‌ها فاقد صلاحیت قضایی هستند نمی‌توانند نسبت به دلایل بازداشت یا عدم آن تصمیم‌گیری کنند. اصل برائت نیز اقتضا می‌کند که مقام قضایی نسبت به ادامه سلب آزادی متهم تصمیم بگیرد.^{۲۶} از این‌رو، ضروری است که متهم در اسرع وقت نزد مقام‌های قضایی حاضر شود و آن‌ها در این مورد تصمیم‌گیری کنند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۳ ماده ۹)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۳ ماده ۵) و مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان (اصل ۴) بر حضور فوری و در اسرع وقت متهم نزد مقام قضایی تأکید کرده‌اند. در این مواد، بیان شده که متهم باید نزد مقام قضایی یا مقام دیگری که طبق قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی است حاضر شود. تنها، مقام قضایی می‌تواند نسبت به تمدید مدت بازداشت یا آزادی متهم تصمیم بگیرد. مقام قضایی به کسی

۲۵. اردبیلی، «نگهداری تحت نظر»، ۲۱۳.

۲۶. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، ۲۴۰.

اطلاق می‌شود که ابلاغ قضایی داشته باشد. از این رو اشخاصی که فاقد ابلاغ قضایی هستند نمی‌توانند نسبت به ادامه بازداشت متهم تصمیم‌گیری کنند. برای نمونه در پرونده «بروگان»^{۲۷} عدم رعایت این امر موجب محکومیت دولت انگلستان به بازداشت غیرقانونی شد. در این پرونده چهار متهم که به اتهام اقدامات تروریستی بازداشت شده بودند بنا بر دستور وزیر کشور وقت بین چهار روز و شش ساعت تا چهار روز و شانزده ساعت و نیم بازداشت شده بودند. دادگاه اروپایی حقوق بشر بازداشت آن‌ها را غیرقانونی اعلام کرد، زیرا که طبق بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تنها مقام قضایی می‌تواند نسبت به ادامه بازداشت متهم تصمیم‌گیری کند و نه وزیر کشور و یا دیگر مسئولان امنیتی که مقام قضایی محسوب نمی‌شوند.^{۲۸}

طبق اسناد بین‌المللی متهم باید در اسرع وقت نزد مقام قضایی حاضر شود. هر چند معیار مشخصی برای «فوری بودن»^{۲۹} ارائه نشده ولی به طور یقین مدت زمان مذکور نمی‌تواند بسیار طولانی باشد. بنا بر نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر در رأی مورد اشاره، چهار روز و شش ساعت را نمی‌توان مدت زمان کوتاه دانست. بنابراین، حضور متهمان پس از این مدت نزد مقام قضایی فوری نیست و بازداشت، غیرقانونی است و بازداشت‌شدگان حق دارند بر طبق بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تقاضای جبران خسارت کنند.^{۳۰}

افزایش ارتکاب جرایم به ویژه جرایم سازمان‌یافته و جرایم تروریستی و پیچیدگی‌های مربوط به احراز جرم و انتساب اتهام به متهم باعث افزایش اختیارات قانونی پلیس برای متهمان این‌گونه جرایم شده است. در برخی از کشورهای آفریقایی پلیس می‌تواند حتی تا ۱۰ روز متهم را در بازداشتگاه توقیف کند.^{۳۱} در انگلستان طبق قوانین ضد تروریستی مدت زمان بازداشت پلیسی در جرایم تروریستی بیش از جرایم عادی است.^{۳۲} طبق «قانون تروریسم»^{۳۳} بازداشت متهمان جرایم تروریستی مشمول

27. Brogan v. United kingdom (1989)

28. Stone, *op. cit.*, 108-122.

29. Promptness

30. Stone, *op. cit.*, 122.

۳۱. انصاری، حقوق تحقیقات جنایی، ۴۶۰.

۳۲. باید به این امر اشاره کرد که مدت زمان بازداشت در جرایم غیرتروریستی با توجه به نوع جرم متفاوت است. در جرایم عادی حداکثر زمان بازداشت ۲۴ ساعت و در جرایم قابل بازداشت (موارد مندرج در ماده (۳) ۱۱۶ قانون پلیس و ادله کیفری) حداکثر ۹۶ ساعت است. در جرایم اخیر باید پس از گذشت ۳۶ ساعت ادامه بازداشت به تأیید قاضی صلح برسد. هر چند ممکن است این امر ناقص ماده ۵ کنوانسیون اروپایی باشد، ولی شرایط اضطراری آن‌را توجیه می‌کند. با این حال تمدید مدت بازداشت برای بیش از ۲۴ ساعت به ندرت اتفاق

قانون مذکور خواهد بود و نه «قانون پلیس و ادله کیفری».^{۳۴} طبق قانون تروریسم پلیس می‌تواند تا ۴۸ ساعت متهم را بازداشت کند. تمدید بازداشت تا ۵ روز دیگر نیز با اجازه قضایی بخش میسر است. چنانچه ضرورت داشته باشد می‌توان ۷ روز دیگر نیز متهم را بازداشت کرد، یعنی در مجموع ۱۴ روز. طبق این قانون باید به طور مرتب نسبت به ضرورت یا عدم ضرورت ادامه بازداشت تصمیم‌گیری شود. هر چند به نظر می‌رسد این قانون با ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متعارض است ولی پیش‌بینی ضرورت تجدیدنظر در مورد لزوم یا عدم لزوم بازداشت در هر ۲۴ ساعت می‌تواند تا حدی همسو با ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد. علاوه بر این، دولت انگلستان در توجیه تصویب قانون، به لزوم مقابله با جرایم تروریستی اشاره کرده زیرا که طبق ماده ۱۵ کنوانسیون در شرایط اضطراری دولت متعاقد می‌تواند از اجرای کنوانسیون امتناع کند. بازداشت پلیسی بر مبنای شرایط اضطراری مورد پذیرش دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است، چنان‌که در پرونده‌ای^{۳۵} استدلال دولت برای توجیه تمدید بازداشت به خاطر شرایط اضطراری در ایرلند شمالی مورد پذیرش دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار گرفت.^{۳۶}

در حقوق ایران طبق اصل ۳۲ ق.ا. حداکثر زمان بازداشت متهم توسط ضابطین ۲۴ ساعت است و باید حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال شود. پیرو اصل مذکور، ماده ۲۴ ق.آ.د.ک. و بند ۵ «قانون حفظ حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع» بر مطلع ساختن مقام قضایی در اولین فرصت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت تأکید کرده‌اند. بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود...» طبق این بند در هر صورت صرف‌نظر از شرایط باید مهلت ۲۴ ساعت رعایت گردد و شرایط اضطراری نمی‌تواند بهانه‌ای برای تأخیر در فرستادن متهم نزد مقام قضایی باشد. هر چند در ق.آ.د.ک. به طور مطلق به لزوم ارسال پرونده و متهم به مراجع قضایی تأکید شده و هیچ‌گونه استثنایی پیش‌بینی نشده است؛ از این رو ارسال پرونده در شرایط

می‌افتد (Stone, *op. cit.*, 116-119).

33. Terrorism Act (2000)

34. Police and Criminal Evidence Act (1984)

35. Brannigan and Mc Bride v. United Kingdom (1993)

36. Stone, *op. cit.*, 122.

اضطراری را نیز شامل می‌شود، ولی تصریح بند مذکور بر ارسال پرونده‌ها در هر صورت حتی در شرایط ضروری هرگونه شبهه در مورد ارسال پرونده در شرایط اضطراری را از بین برده است. بنابراین، در حال حاضر در هر شرایطی ضابطین موظفند در ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده را نزد مقام قضایی بفرستند و توجیه آن‌ها به عدم ارسال پرونده بر مبنای شرایط خاص مانند دوری مسافت و شرایط اضطراری قابل پذیرش نیست و چنانچه ضابطین آن را رعایت نکنند بازداشت غیرقانونی خواهد بود.^{۳۷} در حقوق انگلیس در جرایم تروریستی برای جلوگیری از تأخیر حضور متهم نزد مقامات قضایی از تکنولوژی مدرن استفاده شده است. ماده ۷۵ «قانون عدالت کیفری و پلیس»^{۳۸} که بند ۸ قانون تروریسم را اصلاح کرده، استفاده از تکنولوژی ویدیو کنفرانس را برای تمدید مدت بازداشت پیش‌بینی کرده است. طبق این قانون چنانچه پلیس به مقام قضایی دسترسی نداشته باشد می‌تواند از طریق ارتباط تصویری ویدیویی، تمدید مدت را درخواست کند.^{۳۹}

الزام پلیس به حضور متهم در اسرع وقت نزد مقام قضایی تعهدی است بر عهده پلیس و درخواست یا عدم درخواست متهم تأثیری در آن ندارد. آن‌ها موظفند در همه موارد و همیشه متهم را در اسرع وقت نزد مقام قضایی حاضر کنند و نمی‌توانند به هیچ وجه عدم درخواست متهم را در توجیه عدم انجام وظیفه بیان کنند.^{۴۰}

۵- رعایت قواعد استفاده از زور و سلاح

پلیس فاقد قدرت نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد. بنابراین، باید مأموران تأمین نظم در انجام وظایف از قدرت لازم بهره‌مند گردند. اعطای قدرت مزبور به پلیس ایجاب می‌کند که پلیس در موارد خاص به منظور حفظ نظم، حقوق و آزادی‌های افراد را محدود کند. بنابراین، اعطای اعمال قدرت و زور در جهت حفظ نظم عمومی مساوی است با تحدید برخی از حقوق و آزادی‌های افراد.^{۴۱} در تمامی نظام‌ها در جهت رعایت نظم اجتماع این امر پذیرفته شده و تنها تفاوت آن‌ها در میزان و چگونگی استفاده از این اختیار است.

۳۷. اردبیلی، «نگهداری تحت نظر»، ۲۱۱.

38. Criminal Justice and Police (2001)

39. Lioyd, *An introduction to policing and police powers*, 149.

۴۰. آشوری و دیگران، پیشین، ۳۱۱.

41. Recasens, "The Control of police powers," 252.

در این میان یکی از راه‌هایی که برای کنترل اقدامات پلیس اتخاذ شده پیش‌بینی مقرراتی در زمینه نحوه به‌کارگیری زور و سلاح است.^{۴۲} در جهت عملی کردن این امر اسناد بین‌المللی مقررات خاصی را برای استفاده از زور توسط ضابطین در هنگام انجام وظایف‌شان مقرر داشته‌اند. اجتناب از تحدید حقوق و آزادی‌های مردم باعث شده که استفاده از زور تنها در شرایط اضطراری تجویز شود. از این‌رو ماده ۳ «مجموعه قواعد رفتاری مأموران اجرای قانون» (۱۹۷۹) به استفاده از زور تنها در موارد ضروری اشاره و بر رعایت تناسب در هنگام استفاده از زور تأکید کرده است. در تفسیر ماده مذکور نیز بر اجتناب از استفاده از سلاح تأکید شده و استفاده از آن را به عنوان آخرین تدبیر مجاز شناخته است. «اصول اساسی استفاده از زور و اسلحه توسط مأموران اجرای قانون» (۱۹۹۰) به طور جامع‌تری به چگونگی و شرایط استفاده از زور و اسلحه توسط ضابطین پرداخته است. در مقدمه سند مذکور بر استفاده از زور با رعایت موازین حقوق بشری تأکید شده است. استفاده از روش‌های غیرخشن قبل از استفاده از زور مورد تأکید قرار گرفته است. (ماده ۴) در این سند نیز همانند سند قبل بر رعایت اصل تناسب و تعادل در استفاده از زور و سلاح تأکید شده است. (بند الف ماده ۵) طبق سند مذکور استفاده از سلاح توسط مأموران اجرای قانون تنها در هنگامی مجاز شناخته شده که بیم ضرر جانی در بین باشد. ضابطین تنها می‌توانند برای دفاع از خود یا دفاع از دیگران علیه تهدیدات فوری مرگ یا صدمه جدی یا به منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم مهم که دربردارنده خطر جدی برای زندگی افراد باشد یا به منظور دستگیری فردی که این خطر را ایجاد کرده و در مقابل اختیارات قانونی آن‌ها مقاومت می‌کند از سلاح استفاده کنند. استفاده از سلاح کشنده فقط در مواردی مجاز خواهد بود که کاملاً برای حمایت از حیات اجتناب‌ناپذیر باشد. (ماده ۹) ماده ۱۶ به طور صریح‌تری به وظایف مأموران اجرای قانون در هنگام بازداشت و توقیف اشاره و استفاده از سلاح به منظور بازداشت را در صورتی مجاز شناخته که بیم خطر مرگ یا صدمه جدی جانی در بین بوده و شخص مذکور از دستورات پلیس اطاعت نکرده و فرار کند. در غیر این موارد استفاده از سلاح مجاز نیست. سند مذکور علاوه بر موارد اشاره شده مقررات جامعی در مورد اقدامات پس از استفاده از زور و سلاح، آموزش ضابطین و الزام دولت‌ها به تهیه سلاح‌های غیرکشنده ناتوان‌کننده، پیش‌بینی کرده است.

در عرصه مقررات داخلی برخی از کشورها مقررات سند اخیر مورد توجه قرار

42. Babovic, "Police brutality or police torture," 378.

گرفته و بر استفاده حداقل از زور و سلاح تأکید شده است. در حقوق انگلیس اجازه استفاده از قوه قهریه به مأمور جهت انجام ایست و بازرسی داده شده است و آن هنگامی است که مأمور احراز نماید که شخص مایل به همکاری نیست و یا از همکاری ممانعت می‌کند. با این حال استفاده از قوه قهریه باید به طور معقول باشد و به عنوان آخرین راه حل استفاده شود.^{۴۳} در حقوق فرانسه نیز طبق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری افسران پلیس قضایی می‌توانند مستقیماً از زور در جهت اجرای وظایف‌شان استفاده کنند. در جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی این اختیار تنها به افسران پلیس قضایی داده شده و نه مأموران پلیس قضایی.^{۴۴}

در حقوق ایران بنا بر ماده ۱۸ ق.آ.د.ک. «ضابطین ... در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم ... انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند.» با توجه به عبارات ذیل ماده مذکور می‌توان گفت که ضابطین در جرایم مشهود می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار متهم و به عبارت دیگر توقیف متهم به عمل آورند. به کارگیری عبارت «تمامی اقدامات لازم» بیانگر این مطلب است که ضابطین حتی می‌توانند از زور و اجبار نیز استفاده کنند. با این حال ماده مذکور به ضرورت رعایت تناسب در هنگام به کارگیری زور اشاره‌ای نکرده است. عدم اشاره به این اصل مهم دست ضابطین را در استفاده از زور کاملاً باز می‌گذارد. همچنین عدم اشاره به استفاده از زور به عنوان آخرین راه حل از مواردی است پیش‌بینی نشده است. با این حال ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک. در مورد جلب متهم رویه بهتری را پیش گرفته و بیان کرده که در هنگام جلب، مأمور جلب (که غالباً مأمور نیروی انتظامی است) متهم را دعوت می‌کند که با او نزد قاضی حاضر شود و چنانچه متهم امتناع کند او را جلب و تحت‌الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهد کرد. تقدم دعوت بر جلب بیانگر این مهم است که قانونگذار در این ماده استفاده از زور به عنوان آخرین راه حل را رعایت کرده است. با این حال در این ماده نیز همانند ماده ۱۸ ق.آ.د.ک. به لزوم رعایت اصل تناسب در هنگام استفاده از زور در صورت امتناع متهم از حضور نزد قاضی اشاره‌ای نشده است.

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی برای اولین بار به

۴۳. یکرنگی، «حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان»، ۲۶.

۴۴. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ۴۳.

ضرورت اجتناب از اعمال زور توسط ضابطین اشاره کرده است. طبق بند ۱ و با توجه به صدر ماده واحده ضابطین موظفند در کشف جرم از هرگونه اعمال سلاقی شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت بدون ضرورت اجتناب کنند. بیان واژه «ضرورت» در ذیل بند مذکور بیان‌کننده استفاده از زور به عنوان آخرین راه‌حل است. تا هنگامی که ضرورت ایجاب نکند ضابطین نمی‌توانند در استفاده از زور به اختیارات قانونی‌شان استناد کنند. با این حال در این بند نیز اصل مهم رعایت تناسب در استفاده از زور مغفول مانده است.

عدم توجه به موازین و معیارهای حقوق بشری، عدم پیش‌بینی آن‌ها و افزایش حجم پرونده‌های کیفری باعث شده که ضابطین در هنگام انجام وظیفه از زور نه به عنوان آخرین راه‌حل بلکه به عنوان اولین راه‌حل استفاده کنند. استفاده نامتناسب و غیرضروری از زور توسط ضابطان حتی مورد اعتراض مقام‌های قضایی نیز قرار گرفته است.^{۴۵}

علاوه بر این، مقررات مربوط به استفاده از سلاح نیز با آنچه در اسناد بین‌المللی آمده تفاوت‌های بسیار زیادی دارد. ماده ۱ قانون «به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» بیان کرده که ضابطین در استفاده از سلاح در هنگام انجام وظیفه مقررات قانون مذکور را رعایت کنند. به رغم اینکه این قانون بر استفاده از سلاح به عنوان آخرین راه‌حل (تبصره ۳ ماده ۳)، ضرورت آموزش مأموران قبل از به‌کارگیری سلاح (ماده ۲) و همچنین ضرورت ارائه خدمات پزشکی و امدادی به شخص صدمه‌دیده (تبصره ماده ۷) تأکید کرده، ولی گستره استفاده از سلاح را بسیار گسترش داده است. بر اساس اصول اساسی استفاده از زور و اسلحه توسط مأموران اجرای قانون، استفاده از سلاح توسط مأموران اجرای قانون در هنگام بازداشت در صورتی مجاز شناخته شده که برای دفاع از خود یا دیگران در برابر تهدیدات فوری مرگ یا صدمه جدی ضروری باشد. به عبارت دیگر سند مذکور استفاده از سلاح را در صورتی مجاز شناخته که بیم خطر جانی در بین باشد و در هنگام ورود صدمات مادی

۴۵. ریاست سابق قوه قضائیه به استفاده نامناسب زور توسط ضابطین اشاره و بیان کرده‌اند «بنده آقایی را در زندان دیدم که یک زیرپیراهنی بر تن داشت. وقتی از او پرسیدم لباست کو؟ پاسخ داد، که با همین وضع مرا از خانه به زندان منتقل کرده‌اند. در برخی موارد مشاهده می‌شود کارهایی که در این زمینه انجام می‌شود مانند کیسه کشیدن بر سر متهم شبیه کارهایی است که امریکایی‌ها در زندان ابوغریب نسبت به برخوردار با تروریست‌ها انجام می‌دهند. آیا تا به حال دیده‌اید که [ضابطین] چگونه افراد را سوار ماشین می‌کنند؟ لذا باید توجه داشت که در جرایم معمولی این‌طور برخورد نکنند.» (روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۲/۱۵، ۲).

اجازه استفاده از سلاح تجویز نشده است. با این حال طبق بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، استفاده از سلاح برای دستگیری متهمان جرایم مالی مانند سرقت نیز مجاز شناخته شده است. طبق این بند ضابطان «برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد نیز می‌توانند از سلاح استفاده کنند.» موارد ذکر شده در این بند از جمله مصادیق جرایم مشهود مندرج در بند ۴ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک. هستند. هرچند شاید بتوان گفت که در جرایم قطع‌الطریق، ترور و انفجار بیم تهدیدی جدی علیه جان وجود دارد و بنابراین، تجویز استفاده از سلاح مطابق با اسناد بین‌المللی است، ولی به یقین نمی‌توان در مورد سرقت و تخریب این امر را بیان کرد. با توجه به بیان مطلق سارق، ضابطان در کلیه موارد سرقت اعم از حدی (مواد ۲۰۳-۱۹۷ ق.م.ا.) و تعزیری (مواد ۶۶۷-۶۵۱ ق.م.ا.) مجاز به استفاده از سلاح هستند. طبق بند مذکور حتی در سرقت ساده ماده ۶۶۱ ق.م.ا. نیز ضابطان می‌توانند از سلاح استفاده کنند. در تخریب نیز وضعیت به همین گونه است. با ذکر تخریب به طور مطلق در صورت ارتکاب هر یک از مصادیق مواد ۶۸۹-۶۷۵ ق.م.ا. ضابطین می‌توانند از سلاح استفاده کنند، هر چند جرم تخریب صورت گرفته تخریب شی کم ارزش باشد.^{۴۶} این در حالی است که اشاره‌ای به جرایم مهمی مانند قتل و زنا به عنف که خطرات آن‌ها به مراتب بیشتر از سرقت و تخریب ساده است، نشده است.^{۴۷}

در ماده ۶ نیز مواردی که ضابطین می‌توانند به وسیله نقلیه تیراندازی کنند ذکر شده است. موارد مذکور در این ماده نیز بیشتر جرایم مالی هستند و نه جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص. تجویز استفاده از سلاح در مواردی که ضابطان ظن دارند که وسیله نقلیه مسروقه است یا با وسیله مذکور اموال مسروقه حمل می‌شود از جمله موارد مذکور است.

در تبصره ماده ۳ و همچنین تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۶ ترتیبیاتی که ضابطین باید قبل از تیراندازی رعایت کنند، ذکر شده است. از جمله می‌توان به لزوم رعایت ترتیب شلیک هوایی، تیراندازی کمر به پایین و سپس تیراندازی کمر به بالا، در صورت تیراندازی به افراد، و به کارگیری وسایل هشدار دهنده مانند تابلو توقف و ایجاد مانع و

۴۶. بارانی، پیشین، ۱۲۹.

۴۷. محمدنسل، شرح و نقدی بر قانون به کارگیری سلاح، ۵۴.

دادن ایست به راننده، در صورت تیراندازی به وسیله نقلیه، اشاره کرد. عدم توجه به معیارهای بین‌المللی، توسعه استفاده از سلاح به مواردی که بیم ضرر مالی وجود دارد و همچنین عدم آموزش کافی ضابطین در مورد چگونگی و موارد لزوم استفاده از سلاح باعث شده که استفاده از سلاح توسط ضابطین به عنوان تهدیدی جدی علیه تمامت جسمانی متهمان و افراد عادی مطرح باشد. میزان بسیار زیاد و نابجای استفاده از سلاح توسط ضابطین نشان‌دهنده حاد بودن این مورد است. از جمله می‌توان به پرونده تیراندازی مأموران نیروی انتظامی به جوانی در آبادان و همچنین پرونده تیراندازی در متروی کرج اشاره کرد. در پرونده اول مأموران انتظامی به صرف ظنن شدن به دو جوان آبادانی اقدام به تعقیب آن‌ها کرده بودند. در این پرونده سرنشینان خودرو به دلیل ترس از دستگیری به اتهام مصرف مشروبات الکلی سعی در فرار از دست پلیس را داشتند. مأموران انتظامی بدون رعایت مقررات مربوط به لزوم پیش‌بینی پست‌های ایست و بازرسی، پس از شلیک چند تیر هوایی سرنشینان ماشین را به رگبار بسته بودند.^{۴۸} در این پرونده مأموران دو الزام قانونی را مورد توجه قرار نداده و موجب کشته شدن متهمان شده بود: ۱- لزوم وجود قراین و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق و ۲- لزوم تعبیه وسایل هشدار دهنده. در پرونده دوم نیز فردی، که به زعم خود ضابط دادگستری بوده، به صرف مزاحمت جوانی برای دختری اقدام به تیراندازی کرده که به مرگ شخص منتهی شده بود.^{۴۹} این در حالی است که مزاحمت حتی در میان مصادیق بند ۴ ماده ۳ نیز ذکر نشده است.

وقوع این حوادث ریشه در ضعف مقررات و همچنین فقدان آموزش ضابطین دارد. محدود کردن تجویز سلاح به مواردی که بیم خطر جانی وجود دارد و ممنوعیت به‌کارگیری آن در جرایم مالی (همانند اسناد بین‌المللی)، آموزش ضابطین و همچنین لزوم استفاده از وسایل غیرکشنده می‌تواند آمار موجود را کاهش دهد. محکومیت متهمان در بسیاری از پرونده‌ها به جرم قتل شبه‌عمد نیز تأثیر بسیار زیادی در روند رو به رشد استفاده از سلاح داشته است. به عنوان مثال با اینکه در پرونده متروی کرج تخطی از قانون به‌کارگیری سلاح کاملاً محرز بود با این حال دادگاه بدوی عمل مرتکب را قتل شبه‌عمد تشخیص و متهم را به پرداخت دیه و سه سال حبس محکوم

۴۸. روزنامه شرق، ۱۳۸۵/۱/۳۰، ۱۹.

۴۹. روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۳/۸، ۱۹.

کرد. پیش‌بینی این راهکارها با توجه به اینکه رده‌های مختلف نیروی انتظامی از جمله سربازان وظیفه نیز با توجه به مقررات کنونی ضابط محسوب شده و حق استفاده از سلاح و زور را دارند بسیار ضروری است.

۶- منع نگهداری در اماکن غیررسمی

رعایت حقوق دفاعی متهم اقتضا دارد که از هرگونه تعرض به حقوق او در مدت توقیف اجتناب شود. کنترل و نظارت دایمی بر محل‌های نگهداری متهمان یکی از مواردی است که می‌تواند خطر تعرض پلیس به متهمان را به حداقل کاهش دهد. نظارت ایجاب می‌کند که مقام‌های قضایی بر محل‌های نگهداری دسترسی و کنترل داشته باشند. نگهداری متهمان در اماکنی که در دسترس مقام‌های قضایی است و اماکن رسمی توقیف محسوب می‌شود کنترل را ممکن ساخته و تجاوز به حقوق متهمان را به حداقل کاهش می‌دهد.

بند د اصل ۱۲ مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان بر ضرورت ثبت محل دقیق بازداشت متهم تأکید کرده است. ثبت محل بازداشت می‌تواند آمار دقیقی از متهمان را در اختیار پلیس رسمی و دولتی قرار دهد. ثبت دقیق ساعت ورود و خروج به بازداشتگاه می‌تواند معیار مناسبی برای سنجش مدت توقیف و محاسبه اینکه آیا بازداشت فراتر از مدت قانونی بوده یا نه باشد. اصل ۲۹ سند مذکور بر ضرورت نظارت مقام‌های صلاحیت‌دار غیر از مسؤولان بازداشتگاه‌ها تأکید کرده است. در این اصل بر بازدید مرتب از اماکن مزبور تأکید شده است. از دید تدوین‌کنندگان سند بازدید غیرمستمر فاقد کارایی است. بازدید هنگامی مؤثر است که مستمر و سرزده باشد. بازدیدهای اتفاقی باعث خواهد شد که مسؤولان بازداشتگاه‌ها آگاه باشند که در هر زمانی امکان بازدید وجود دارد و هیچ‌گونه تخطی و تجاوز به حقوق متهمان از دید مقام‌ها قضایی پنهان نخواهد ماند. هر چند سند مذکور به لزوم بازداشت در مکان‌های رسمی اشاره‌ای نکرده، ولی بدون شک منظور سند بازداشتگاه‌های رسمی است.

در حقوق انگلیس، افسر پلیس باید پس از بازداشت، متهم را بلافاصله و در اسرع وقت، به پاسگاه پلیس منتقل کند. تأخیر در انتقال متهم به پاسگاه پلیس تنها در صورتی مجاز است که حضور متهم در محل دیگری ضروری باشد، مانند اینکه پلیس برای معاینه محل نیازمند حضور متهم باشد. در این موارد پلیس می‌تواند با تأخیر متهم را به

پاسگاه منتقل کند. در هر حال باید علت تأخیر ثبت گردد. در هر دو صورت اعم از اینکه متهم بلافاصله به پاسگاه منتقل یا با تأخیر به پاسگاه منتقل شده باید زمان حضور متهم در پاسگاه ثبت گردد.

الزام به حضور متهم در اسرع وقت در پاسگاه رسمی پلیس از آن جهت است که با حضور در پاسگاه، متهم از حقوقی همانند حق دسترسی به وکیل و همچنین ضبط بازجویی بهره‌مند می‌شود. خودداری پلیس از حاضر کردن به موقع متهمان در پاسگاه پلیس و محروم کردن آن‌ها از حقوق قانونی باعث شده که پیشنهادهایی برای اصلاح زمان حضور متهم در پاسگاه ارائه گردد. یکی از این پیشنهادها استفاده از اتاق‌های سیار به عنوان بازداشتگاه است. این اتاق‌ها که در واقع ماشین‌های پلیس هستند به نوعی نقش پاسگاه پلیس را ایفا کرده و در صورتی که افسران پلیس نتوانند متهم را در اسرع وقت در پاسگاه حاضر کنند باید وی را به داخل ماشین‌های مذکور منتقل کنند. با انتقال به این اتاق‌ها متهم از حق دسترسی به وکیل و همچنین ضبط بازجویی بهره‌مند می‌گردد.^{۵۰}

ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بر ضرورت بازدید دادستان استان از مکان‌های تحت نظر حداقل یک بار در سال و در صورت اقتضا به هر تعداد که لازم است، تأکید کرده است. این ماده به زمان بازدید دادستان اشاره‌ای نکرده است. بنابراین، دادستان هر زمان که صلاح بداند می‌تواند از مکان تحت نظر افسران قضایی بازدید کند. دادستان باید تعداد دفعات بازدید را ثبت کند.^{۵۱}

در مقررات آیین دادرسی کیفری ایران اشاره‌ای به این امر نشده که متهم در مدت تحت نظر در چه اماکنی نگهداری خواهد شد. رویه معمول این است که متهم تا حضور نزد قاضی در بازداشتگاه‌هایی که در کلانتری‌ها ایجاد شده نگهداری می‌شوند. این در حالی است که طبق ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (۱۳۸۰) «... مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، انتظامی و نظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه اختصاصی ممنوع می‌باشند.»

بند ۷ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به طور صریح بر ممنوعیت انتقال متهمان به اماکن نامعلوم اشاره کرده است. به نظر می‌رسد مراد این بند از اماکن نامعلوم، همان بازداشتگاه‌های غیر رسمی است.

50. Stone, *op. cit.*, 103-104.

۵۱. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ۵۵.

در قانون آیین دادرسی کیفری مقررهای برای نظارت و بازدید مقام‌های قضایی بر بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی پیش‌بینی نشده است. طبق بخشنامه شماره ۲۲۳/۴۷۳۹۰ مورخ ۱۳۷۶/۹/۱۰ فرمانده نیروی انتظامی، رؤسای پاسگاه‌های نیروی انتظامی می‌توانند مانع بازدید و نظارت مقامات قضایی از بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی شوند. این در حالی است که اداره حقوقی قوه قضائیه برخلاف این بخشنامه در نظریه شماره ۱۳۸۰/۱۰/۳-۷/۵۱۷۲ بر حق و اختیار مقام‌های قضایی در بازدید از پاسگاه‌های انتظامی و بازرسی پرونده‌ها و نحوه عملکرد ضابطین تأکید کرده است.^{۵۲} با صدور رأی شماره هـ ۱۳۸۲/۶/۱۱-۳۷۹/۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بخشنامه مذکور باطل گردید. طبق رأی مذکور «دادستان مسؤولیت کشف جرم و تعقیب متهم به جرم را بر عهده داشته و بر ضابطین نظارت دارد و معنا و مفهوم نظارت بر اعمال ضابطین دادگستری مستلزم جواز انجام هرگونه تحقیقات لازم، بررسی اوراق، پرونده‌ها و دفاتر و بازرسی و بازدید از پاسگاه‌ها، واحدها و بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی توسط مراجع قضایی ذی‌صلاح به منظور حصول اطمینان از اجرای صحیح قوانین و دستورات مقامات قضایی و رسیدگی به شکایت از نحوه عمل ضابطین دادگستری در ارتباط با وظایف قانونی محوله به آنان است. بنابراین، بخشنامه فرمانده نیروی انتظامی مبنی بر ممانعت از بازدید مقامات قضایی ذی‌صلاح از یگان‌ها و پاسگاه‌های نیروی انتظامی مداخله در قلمرو و صلاحیت مراجع قضایی و تعیین تکلیف برای آنان و مبین تمرد مأموران انتظامی از انجام دستورات صریح مقام قضا می‌باشد، خلاف اصول قانون اساسی و مغایر قوانین موضوعه در باب ضرورت اطاعت مأموران از دستورات مقام مافوق قضایی و خارج از حدود اختیارات فرمانده نیروی انتظامی در وضع قواعد آمره بوده و بنابر ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد».^{۵۳}

بند ۱۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی برای اولین بار این امر را پیش‌بینی کرد. طبق این بند «محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروی‌های ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.» در این

۵۲. شاملو احمدی، پیرامون دادسرا، ۷۸.

۵۳. روزنامه رسمی، ش ۱۷۰۶۹، ۱۳۸۲/۷/۱۲.

بند به نظارت مستمر و مرتب اشاره نشده و به جای آن به نظارت جدی اشاره شده است. به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از جدی همان مستمر و مرتب بودن نظارت است. جدا از این اشکال نگارشی، بند مذکور بیان کرده که مقام‌های قضایی در کنار نظارت بر بازداشتگاه‌های ضابطین، بر بازداشتگاه‌های دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آن‌ها را انجام می‌دهند نیز نظارت می‌کنند.

علاوه بر نظارت مقام‌های قضایی، بنابر دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳/۸/۳۰) گروه‌های نظارت و بازرسی نیز می‌توانند بر بازداشتگاه‌های ضابطین نظارت داشته باشند. طبق دستورالعمل مذکور و با استناد به ماده ۱۵ قانون حقوق شهروندی هیأت نظارت مرکزی تشکیل خواهد شد. در کنار هیأت مذکور هیأت نظارت و بازرسی استان نیز تشکیل می‌گردد. اعضای هیأت اخیر در قالب گروه‌های دو یا سه نفره با حکم مأموریت به مراجع قضایی، انتظامی و سایر دستگاه‌ها اعزام می‌شوند. طبق ماده ۹ دستورالعمل یکی از وظایف گروه‌های نظارت و بازرسی بازدید از بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها و مصاحبه با افراد و بررسی اقدام‌هایی که به منزله ضابط قضائیه انجام می‌شود، است. هر چند در این ماده به نظارت مستمر گروه‌های مذکور اشاره نشده و طبق بند ۸ گروه‌های مذکور تنها پس از درخواست رئیس کل دادگستری استان می‌توانند به بازرسی اقدام کنند، ولی با این حال چنانچه این امر به آن‌ها محول شود طبق ماده ۱۰ اختیارات فراوانی داشته و می‌توانند با کلیه افراد بازداشت شده ملاقات و مصاحبه کرده و از تمامی پرونده‌ها و دفاتر رونوشت و تصویر تهیه کنند.

به رغم پیش‌بینی معیارهای اساسی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، با این حال نمی‌توان در حال حاضر به طور قطع در مورد کارایی و اثربخشی مقررات جدید نظر داد؛ زیرا که مدت زیادی از تصویب قانون مذکور نمی‌گذرد. قضاوت در مورد کارایی مقررات جدید پس از گذشت مدت زمان بیشتر میسر است.

۷- نتیجه‌گیری

با وجود اینکه در دهه‌های اخیر به دنبال افزایش ارقام جرم و همچنین ظهور اشکال جدید جرایم خطرناک مانند جرایم تروریستی و جرایم سازمان‌یافته، کشورها به سمت به‌کارگیری الگوی کنترل جرم گرایش یافته‌اند، با این حال به‌کارگیری این الگو تنها در

برخی از جرایم خطرناک مشاهده می‌شود و همچنان الگوی رعایت تشریفات قانونی، الگوی پذیرفته شده در بسیاری از کشورهاست. در الگوی کنترل جرم تمرکز اصلی نظام عدالت کیفری بر کشف سریع جرایم و مجازات مرتکب است و حفظ نظم مهم‌ترین اولویت است هر چند این امر در بعضی موارد به تضییع حقوق افراد منتهی شود. در مقابل در مدل الگوی رعایت تشریفات قانون تمرکز اصلی بر رعایت حقوق و آزادی‌های افراد است.^{۵۴}

ارزش والای آزادی افراد موجب شده که در نظام‌هایی که الگوی رعایت تشریفات قانونی پذیرفته شده مقررات دقیقی در خصوص آزادی افراد وضع و محدود کردن آزادی شهروندان تنها در شرایط استثنایی پذیرفته شود. برخی از کشورها با مدنظر قرار دادن توأمان منافع فرد و اجتماع تلاش کرده‌اند این دو را با هم جمع کنند به گونه‌ای که تحقق هر یک به نقض دیگری منجر نگردد. به عنوان نمونه در برخی از کشورها در جرایم عادی معیارهای عادلانه در زمینه توقیف افراد وضع شده است. با این حال در جهت حفظ منافع اجتماع مقرر شده که در مواردی که منافع اجتماع اقتضا کند ممکن است رعایت این حقوق جهت تأمین منافع اجتماع کنار گذاشته شود. تجویز تمدید توقیف افراد برای مدت طولانی و همچنین تجویز استفاده از زور در موارد ضروری از جمله این موارد است.

در مقررات فراتقیننی و تقیننی ایران به حقوق متهم به ویژه در مرحله توقیف پلیسی اشاره شده است. با این حال به دلیل رویکرد تقنیشی مرحله تحقیقات پلیسی، ضرورت‌های عملی و عدم تعامل اندیشمندان حقوقی، قانونگذار، مقام‌های قضایی و پلیسی با یکدیگر این امر به صورت مناسب آن چنان که در اسناد بین‌المللی آمده وضع و اجرا نشده است. هرچند در سال‌های اخیر تلاش شده از طریق وضع مقررات، مانند قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، و صدور بخشنامه‌های جدید از طرف رئیس قوه قضائیه، این مشکل رفع گردد، ولی باید توجه داشت که به صرف ذکر معیارهای بین‌المللی در قالب مجموعه‌های قانونی یا بخشنامه نمی‌توان تغییر جندانی را ایجاد کرد، بلکه مسأله مهم تغییر رویکرد و دیدگاه کارکنان نظام عدالت کیفری است که این مهم امری زمان‌بر و نیازمند همت تمامی دست‌اندرکاران من جمله دانشگاهیان، مقام‌های قانونی، قضایی و پلیسی است.

۵۴. مقدسی، «رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری در ایران»، ۳-۲۶۱.

فهرست منابع

- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری، ج ۲. چ ۷. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- آشوری، محمد، حسین بشیریه، سید محمد هاشمی و عبدالمجید یزدی. حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. چ ۱. تهران: نشر گرایش (انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ۱۳۸۳.
- اردبیلی، محمدعلی. «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام.» مجله تحقیقات حقوقی ۴۳ (۱۳۸۵): ۵۹-۹۴.
- اردبیلی، محمدعلی. «نگهداری تحت نظر، علوم جنایی.» در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- استفانی، گاستون، ژرژ لواسور، و برنار بولک. آیین دادرسی کیفری، ج ۱. چ ۱. ترجمه حسن دادبان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
- امیدی، جلیل. «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم.» در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- انصاری، ولی‌الله. حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی). چ ۱. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- بارانی، محمد. عوامل موجه جرم در اجرای وظایف مأمورین ناجا به عنوان ضابط دادگستری. چ ۱. تهران: مرکز تحقیقات و پژوهش‌های نیروی انتظامی، ۱۳۸۲.
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۷/۱۲، شماره ۱۷۰۶۹.
- زراعت، عباس، و علی مهاجری. شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، ج ۱. چ ۱. تهران: انتشارات فیض، ۱۳۷۸.
- شاملو احمدی، محمدحسین. پیرامون داسرا. چ ۲. اصفهان: نشر دادیار، ۱۳۸۴.
- شاملو، باقر، «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی.» در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- شرق (روزنامه)، ۱۳۸۴/۲/۱۵، شماره ۴۶۷.
- شرق (روزنامه)، ۱۳۸۴/۳/۸، شماره ۲۸۷.
- شرق (روزنامه)، ۱۳۸۵/۱/۳۰، شماره ۷۳۸.
- قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه. چ ۱. ترجمه عباس تدین. تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.
- محمدنسل، غلامرضا. شرح و نقدی بر قانون به کارگیری سلاح. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۱.
- مقدسی، محمد باقر. «رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری در ایران.» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- مؤذن زادگان، حسنعلی. «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن.» رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.

یکرنگی، محمد. «حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان.» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

Babovic, Budimir. "Police brutality or police torture." *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management* 3 (2003): 374-380.

Jason-Lloyd, Leonard. *An introduction to policing and police powers*. 2nd ed. London: Cavendish publishing, 2005.

Recasens, Amadeu. "The Control of police powers." *European Journal on Criminal Policy and Research* 3 (2000): 247-269.

Stone, Richard. *Textbook on civil liberties and human rights*. 6th ed. New York: Oxford University Press, 2006.

پرونده‌ها

Brannigan and Mc Bride v. United Kingdom (1993)

Brogan v. United Kingdom (1989)

Guzzardi v. Italy (1980)

O' Hara v. UK (2002)

Rice v. Connolly (1966)

Samuels v. Commissioner of police for the Metropole (1999)

Fair Trial Criteria of the Accused Arrest

Mohammad Farajih (Ph. D.)

Mohammad Bagher Moghadasi (Ph. D.)

Police officers have very important role in crime detection, identification, detention and criminal prosecution of the accused. Speeding up in gathering evidence and getting results are the most important priorities of the police in the most criminal justice systems. Police emphasis on increasing efficiency and effectiveness of its units leads to disregard the accused rights. In international documents and domestic codes many criteria such as arresting the accused according to reliable evidence, informing charges promptly, using the less force in arrest and prohibition of detention of the accused in illegal lockup has been foreseen in order to protect the accused rights. This article attempts to analyze fair trial criteria of arrest in Iran's criminal codes and comparative law.

Keywords: the accused arrest, fair trial criteria, criminal procedure, abuse of power, assumption of innocence.

Journal of **CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY**

VOL. I, No. 1

2013-1

- **New Aspects of Application of Criminal Law in Space in the New Islamic Penal Code** 3
Ali Khaleghi
- **Special Canons of Interpretation in Criminal Law** 3
Ali Shojaei
- **Fair Trial Criteria of the Accused Arrest** 4
Mohammad Farajiha & Mohammad Bagher Moghadasi
- **Freedom Oriented Criticism of the Blasphemous Speech** 4
Mohammad Hadi Zakerhossein
- **Obstacles before National Courts in Prosecuting International Criminals Based on Universal Jurisdiction** 4
Masoumehsadat Mirmohammadi
- **Civil and Criminal Liability of the Manufacturer of Non Standard Products** 5
Sadegh Dashti & Pejman Mohammadi & Hossein Aghaei Jannatmakan
- **Visual Media and Violence** 5
Tahereh Abedi Tehrani & Fatemeh Afshari
- **Study of the Area of Application of the Presumption of Innocence by the European Court of Human Rights** 6
Behnam Medi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study